



## درس خارج اصول استاد حاج سید مجتبی نورمفیدی

موضوع کلی: امارات و ظنون  
 تاریخ: ۲۹ آبان ۱۴۰۳  
 موضوع جزئی: ۵. حجیت خبر واحد - ادله حجیت خبر واحد - دلیل اول: کتاب - مصادف با: ۱۷ جمادی الاولی ۱۴۴۶  
 آیه نبأ - بررسی استدلال به مفهوم شرط - بررسی پاسخ محقق خراسانی به شیخ انصاری - اشکال محقق نایینی و بررسی آن  
 سال شانزدهم  
 جلسه: ۴۰

### «الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطاهیرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

#### خلاصه جلسه گذشته

بحث در سخن شیخ انصاری و پاسخی بود که محقق خراسانی به ایشان دادند. شیخ انصاری فرمود آیه نبأ قابلیت استدلال برای حجیت خبر واحد را ندارد، زیرا شرط در این آیه محقق موضوع است و در مواردی که شرط محقق موضوع باشد مفهوم ندارد. محقق خراسانی به این سخن شیخ انصاری پاسخ دادند؛ دو پاسخ را ما دیروز نقل کردیم؛ عمده پاسخ اول بود که مورد نقد و اشکال قرار گرفته است.

پاسخ اول محقق خراسانی این بود که شرط در این آیه مفهوم دارد، زیرا موضوع طبیعه النبأ یا مطلق النبأ است و آنچه شیخ انصاری را گرفتار کرده و به خاطر آن مفهوم شرط را نفی کرده، این است که موضوع را در آیه خبر الفاسق دانسته است. لذا فرموده این شرط محقق موضوع است و به همین جهت مفهوم ندارد در حالیکه موضوع در آیه نبأ خبر الفاسق نیست، بلکه طبیعه النبأ یا مطلق النبأ است.

این فرمایش محقق خراسانی مورد اشکال قرار گرفته است. عرض کردیم شاگردان محقق خراسانی چه شاگردان بی واسطه و چه آنهایی که با واسطه شاگرد ایشان محسوب می شوند هر یک به این سخن اشکال کردند. اولین اشکال را دیروز بیان کردیم که امام خمینی فرمودند که این خلاف ظاهر آیه است، ظاهر آیه با این بیان سازگاری ندارد.

#### اشکال محقق نایینی

محقق نایینی نیز نسبت به این مطلب اشکال کرده است، البته اصل سخن محقق خراسانی را قبول دارد ولی بیان ایشان را قبول ندارد. حال فرمایش ایشان را توضیح می دهیم و بعد آن را مورد بررسی قرار می دهیم. ایشان ابتدائاً متذکر دو مطلب می شود و پس از آن یک نتیجه ای از این دو مطلب می گیرد.

**مطلب اول:** با دقت در شأن نزول آیه معلوم می شود که اخبار ولید به ارتداد بنی المصطلق باعث شد این آیه نازل شود. درباره شأن نزول این آیه عرض کردیم وقتی او گمان کرد بنی المصطلق برای کشتن او و برای اینکه زکات ندهند اجتماع کردند خبر از ارتداد این قوم داد، زیرا کسی که از دادن زکات امتناع می کرد مرتد محسوب می شد که این آیه نازل شد «إِنْ جَاءَكُمْ فَاسِقٌ بِنَبَأٍ فَتَبَيَّنُوا» پس شأن نزول آیه و مورد آیه اخبار ولید به ارتداد بنی المصطلق بود. با ملاحظه شأن نزول و تجزیه و تحلیل این داستان معلوم

می‌شود اینجا دو عنوان یا دو جزء محقق است، یکی خبر واحد و دیگری عنوان فاسق بودن مخبر این خبر. ما دو چیز داریم یکی اصل خبر واحد و دیگری اینکه آن کسی که این خبر را آورده فاسق بوده است.

مطلب دوم: این آیه در واقع در مقام تفکیک و تمییز دو نوع خبر و اعطاء یک ضابطه کلیه بوده، یعنی آیه می‌خواهد بگوید ما دو نوع خبر داریم، یک نوع خبری که تبیین لازم دارد و یک نوع خبری که تبیین لازم ندارد و در واقع می‌خواهد یک ضابطه کلی بدهد که کدام خبر نیازمند تحقیق و جستجو است و کدام خبر به این نیاز ندارد. ضابطه نیز معلوم است، می‌خواهد بگوید خبری که فاسق بیاورد تبیین لازم دارد و خبری که عادل بیاورد تبیین لازم ندارد.

نتیجه: این دو مطلب را با هم که ملاحظه می‌کنیم معلوم می‌شود آیه همان مطلبی را که محقق خراسانی گفتند می‌خواهد بیان کند، یعنی «إن الخبر الواحد، إن كان الجائی به فاسقا فتبینوا» خبر واحد اگر آورنده آن فاسق باشد تبیین لازم دارد، اما «إن لم یکن الجائی به فاسقا فلا تبینوا» اگر جائی و آورنده این خبر فاسق نباشد تبیین لازم نیست. این معنایش این است که آنچه موضوع قرار گرفته، طبیعۃ النبأ یا طبیعۃ الخبر و یا مطلق النبأ است. پس محقق خراسانی درست می‌گوید که موضوع در این آیه طبیعۃ النبأ است نه خبر الفاسق، وقتی این موضوع باشد ما دو حالت یا دو فرض می‌توانیم برایش تصور کنیم؛ الخبر الواحد اگر آورنده آن فاسق باشد فکذا و اگر نباشد فکذا؛ دو حالت برایش تصویر می‌شود، یک حالت را منطوق متکفل شده و یک حالت را مفهوم. اگر مخبر عادل باشد این حکمش در مفهوم بیان شده است و اگر مخبر فاسق باشد حکمش در منطوق بیان شده است.<sup>۱</sup>

همانطور که معلوم شد آنچه که محقق نایینی گفته تأیید فرمایش محقق خراسانی است. می‌گوید بله موضوع مطلق النبأ است ولی نه آن طور که محقق خراسانی می‌گوید، تفاوت دیدگاه محقق نایینی و محقق خراسانی در این است که محقق نایینی می‌گوید ما اگر شأن نزول آیه را در نظر بگیریم و این را کنار خود آیه قرار دهیم، چنین معنایی استفاده می‌شود. بالاخره ما وقتی می‌خواهیم آیه را معنا کنیم باید حتما شامل مورد خود آیه شود.

پس محقق خراسانی بدون اشاره به شأن نزول چنین استفاده‌ای کرده، می‌گوید آیه یک چنین دلالتی دارد، ولی محقق نایینی با ضمیمه کردن شأن نزول و خود آیه همان نتیجه را گرفته، لذا نتیجه و مقصد یکی است ولی راهشان متفاوت است.

### بررسی اشکال محقق نایینی

نسبت به فرمایش محقق نایینی اشکالاتی شده است.

### اشکال اول

محقق نایینی چگونه از شأن نزول آیه که اخبار ولید به ارتداد بنی المصطلق است استفاده کرده است که موضوع در این آیه طبیعۃ النبأ یا مطلق النبأ است؟ محقق نایینی در مقابل شیخ انصاری که موضوع را خبر الفاسق می‌داند یا مجئ الفاسق بنبأ، می‌گوید: طبیعۃ النبأ موضوع برای این حکم است. سوال این است که این چه ارتباطی به شأن نزول آیه دارد؟ از کجا این مطلب استفاده می‌شود؟ شأن نزول خبر می‌دهد از ارتداد بنی المصطلق، این چه ارتباطی با این موضوع دارد؟

پس اشکال امام خمینی این است که ملازمه‌ای بین این دو جهت وجود ندارد، این شأن نزول نشان می‌دهد یک چیز اینجا بیشتر نیست و آن هم مجئ الفاسق بالخبر.

<sup>۱</sup> فوائد الاصول، ج ۳، ص ۱۶۹.

## سوال:

استاد: بحث این است که این مفهوم دارد یا خیر؟ شیخ انصاری موضوع را خبر الفاسق یا مجئی الفاسق بالخبر قرار داده لذا گفته این می شود از قبیل «إن رزقت ولدا فاختنه»؛ محقق خراسانی می گوید: موضوع مجئی الفاسق بالخبر نیست، موضوع خبر الفاسق نیست، بلکه موضوع طبیعه الخبر و طبیعه النبأ، خبر الواحد است. اشکال اول امام خمینی این است که شما از کجای شأن نزول آیه این را به دست می آورید؟ چه ملازمه ای است بین این شأن نزول و اینکه موضوع خبر الواحد است؟ همانطوری که این احتمال وجود دارد، این نیز احتمال دارد که اصلا موضوع خبر الفاسق باشد.

### اشکال دوم

در مطلب دوم، محقق نایینی فرموده آیه در مقام اعطاء یک ضابطه کلی است و می خواهد بگوید برخی خبرها تبیین لازم دارند و برخی خبرها تبیین لازم ندارند. سوال این است که چه دلیل و شاهدهی بر این است؟ آنچه این آیه بیان می کند این است که اگر یک فاسقی خبر آورد شما تبیین کنید، حال به چه دلیل شما می گوئید دارد یک ضابطه کلی می دهد؟ به چه دلیل شما می گوئید اینجا می خواهد بگوید خبر عادل تبیین ندارد؟ پس این هم از این آیه استفاده نمی شود.

### اشکال سوم

یک مطلب دیگری که هم می تواند اشکال بر نایینی و هم اشکال بر محقق عراقی باشد و امام خمینی به آن تصریح کرده، این است که در واقع با این تحلیل و با این بیان، اصلا از مفهوم شرط خارج می شود و داخل در مفهوم وصف می شود. ما الان می خواهیم ببینیم که از طریق مفهوم شرط می توان اثبات کرد که خبر عادل حجت است یا خیر؟ اما اینطور که محقق نایینی فرمودند این مربوط به مفهوم وصف است، زیرا می گوید که مخبر اگر فاسق بود فکذا، فاسق وصفی است که در کنار خبر بیان شده است، اذا انتفی الوصف، انتفی الحكم ام لا؟ نمی دانیم، اگر وصف منتفی شد، حکم نیز منتفی می شود یا خیر؟ این اول بحث است و ما در مفهوم وصف بحثمان همین بود که آیا این مفهوم دارد یا خیر؟ لذا با این بیان از دایره مفهوم شرط خارج و داخل در مفهوم وصف می شود.<sup>۱</sup> ما گفتیم محقق خراسانی به شیخ انصاری پاسخ داده که شما دارید می گوئید این آیه مفهوم ندارد به این دلیل، ما می گوئیم نه به این دلیل نمی توانیم بگوییم آیه مفهوم ندارد، باید به دلیل دیگر بگوییم مفهوم ندارد که بعدا خواهیم گفت.

اما راجع همین پاسخ محقق خراسانی به شیخ انصاری دیدید که امام خمینی یک اشکالی داشتند، محقق نایینی هم یک اشکالی داشتند که امام خمینی آن را قبول نکردند. محقق عراقی نیز یک مطلبی دارند، محقق بروجردی هم به محقق خراسانی اشکال می کند و نظر شیخ انصاری را درست می داند و می گوید بله این آیه از قبیل «إن رزقت ولدا فاختنه» است.<sup>۲</sup>

### بحث جلسه آینده

محقق بروجردی در مورد موضوع سه احتمال را ذکر کرده و آنها را بررسی می کند، به غیر از محقق بروجردی دیگران نیز گفتند، محقق خوبی<sup>۳</sup> و برخی از شاگردان ایشان، صاحب منتفی الاصول این را فرمودند<sup>۴</sup> که در موضوع این آیه سه احتمال وجود دارد،

<sup>۱</sup> تهذیب الاصول، ج ۲، ص ۴۳۸.

<sup>۲</sup> نهایه الاصول، ص ۴۹۲.

<sup>۳</sup> مصباح الاصول، ج ۲، ص ۱۶۱.

<sup>۴</sup> منتفی الاصول، ج ۴، ص ۲۵۸ و ۲۵۹.

طبق دو احتمال این آیه می‌تواند مفهوم داشته باشد ولی طبق یک احتمال آیه مفهوم ندارد. حال باید ببینیم آیه با کدام یک از این سه احتمال قرابت دارد؟ زیرا ما مواجه با دو نظر هستیم، شیخ انصاری گفته است که موضوع در این آیه خبر الفاسق یا مجئ الفاسق بالخبر است، محقق خراسانی می‌گوید موضوع در این آیه طبیعۃ الخبر و طبیعۃ النبأ است نه خبر الفاسق یا مجئ الخبر. این بزرگان می‌گویند اینجا یک احتمال سوم نیز وجود دارد. کلا سه احتمال بیان می‌کنند که آنها را ملاحظه فرمایید.

این سه احتمال باید بیان شوند تا ببینیم که قابل قبول هستند یا خیر؟ به علاوه اینکه یک فرمایشی نیز محقق عراقی دارند که باید ببینیم قابل قبول است یا خیر؟

«والحمد لله رب العالمین»